

## تحلیلی بر نقش آفرینی مولفه‌های فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهری ایران (مطالعه موردی: مرکز تاریخی شهر تهران)\*

علی محمد سعادت<sup>۱</sup>، فرشته احمدی<sup>۲</sup>، علی غفاری<sup>۳</sup>، الهام ناظمی<sup>۴</sup>

- ۱- پژوهشگر دوره دکتری، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
- ۲- استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول: fe.ahmadi@par.iaun.ac.ir).
- ۳- استاد، گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. و استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- ۴- استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: 1404-08-03

تاریخ بازنگری: 1404-10-01

تاریخ پذیرش: 1404-10-12

### چکیده

بافت‌های تاریخی شهری در ایران با چالش دوگانه حفاظت از میراث و پاسخگویی به نیازهای زندگی معاصر مواجه‌اند. این تعارض در مرکز تاریخی تهران (منطقه ۱۲) به افت کیفیت زندگی و گسست بین فضا و تجربه زیسته شهروندان انجامیده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مؤلفه‌های فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی و ارائه الگویی کاربردی برای بهبود زیست‌پذیری در اینگونه بافت‌ها انجام شد. روش تحقیق پژوهش ترکیبی (کمی- کیفی) است. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق با ساکنان، مدیران و متخصصان گردآوری شد. نتایج نشان‌دهنده رابطه مستقیم و چندوجهی بین کیفیت فضای شهری و کیفیت زندگی است. تحلیل کمی نشان داد مؤلفه‌های مدیریت زمان در فضاهای عمومی با مقدار ۰.۵۹۳، کیفیت منظر و پیوستگی فضایی با مقدار ۰.۵۸۸ و حمل‌ونقل و دسترسی با مقدار ۰.۴۷۷ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر انعطاف‌پذیری برنامه‌های توسعه، سرزندگی اجتماعی و حفظ تعادل جمعیتی دارند. تحلیل کیفی نیز بر نقش کلیدی ادراک مثبت شهروندان از فضاهای خوانا، سرزنده و انسان‌محور در پایداری حیات اجتماعی تأکید دارد. تلفیق این یافته‌ها منجر به استخراج الگوی سه‌سطحی (کالبدی- زیست‌محیطی، عملکردی- اجتماعی و ادراکی- هویتی) برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی شد. کاربرد این الگو در محدوده مورد مطالعه، راهکارهای عملی همچون بهبود پیاده‌مداری، تقویت فضاهای اجتماع‌محور و ساماندهی منظر تاریخی را پیشنهاد می‌دهد. دستاورد اصلی پژوهش، ارائه چارچوبی بومی و انسان‌محور است که به‌عنوان نقشه‌راهی کاربردی برای مواجهه با چالش‌های تکرارشونده بافت‌های تاریخی ایران، به‌ویژه تعارض میان حفاظت میراث و ارتقای کیفیت زندگی، قابل استفاده است.

کلمات کلیدی: بافت تاریخی، فضای عمومی شهری، کیفیت زندگی، میراث فرهنگی، مرکز تاریخی تهران.

## ۱. مقدمه

شهرهای معاصر در سراسر جهان، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی خود، با چالش اساسی تلفیق میراث فرهنگی با الزامات زندگی مدرن مواجه‌اند (Chiu et al., 2019). در این میان، کیفیت زندگی به‌عنوان مفهومی چندبعدی، از صرف توجه به شاخص‌های فیزیکی و اقتصادی فراتر رفته و امروزه حاصل تعامل پیچیده‌ای بین ویژگی‌های فضایی، اجتماعی و ادراکی محیط شهری دانسته می‌شود (Makki et al., 2025). در قلب این تعامل، فضاهای شهری - شامل خیابان‌ها، میدان‌ها و پارک‌ها - قرار دارند که به‌عنوان بستر اصلی حیات جمعی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به تجربه زیسته و رضایت شهروندان ایفا می‌کنند (Ronael & Ertekin, 2025). پژوهش‌های گسترده نشان می‌دهند کیفیت مطلوب فضاهای عمومی شهری می‌تواند موجب تقویت حس تعلق، افزایش تعاملات اجتماعی، ارتقای امنیت و پویایی اقتصادی شود؛ در حالی که فضاهای بی‌هویت، ناپیوسته و فاقد کیفیت، به انزوای اجتماعی، کاهش رضایت از زندگی و زوال عملکردی منجر می‌گردند (Abou El Ezz et al., 2017; Wang et al., 2025). بنابراین، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر فضای شهری و چگونگی نقش‌آفرینی آن‌ها در ارتقای کیفیت زندگی، به کانونی اساسی در مطالعات برنامه‌ریزی و طراحی شهری بدل شده است (Mouratidis, 2021). این رابطه در بافت‌های تاریخی شهری، که به‌عنوان میراث زنده، حامل ارزش‌های منحصربه‌فرد فرهنگی، اجتماعی و کالبدی هستند، از پیچیدگی و حساسیت مضاعفی برخوردار است (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022). چالش اصلی در این بافت‌ها، نه صرفاً حفاظت موزه‌ای، بلکه ایجاد تعادلی پویا بین حفظ اصالت تاریخی و پاسخگویی به نیازهای زیست‌پذیری معاصر است (Chandan & Kumar, 2019). با این وجود، شواهد حاکی از آن است که بسیاری از این بافت‌های ارزشمند، در نتیجه رشد نامتوازن شهری، تغییرات ناهمگون کاربری و غلبه رویکردهای کالبدی-مرمتی صرف، دچار فرسودگی کارکردی، رکود اجتماعی و کاهش مستمر کیفیت زندگی ساکنان شده‌اند (Long et al., 2025; Esmailpoor et al., 2023). در این شرایط، مداخلات شهری غالباً فاقد درک جامعی از تجربه ذهنی شهروندان و نقش مؤلفه‌های کیفی فضا در زندگی روزمره آن‌ها هستند.

در کشورهای در حال توسعه، این وضعیت به دلیل تمرکز سیاست‌های شهری بر نوسازی فیزیکی و بی‌توجهی به مؤلفه‌های انسانی و فضایی، تشدید شده است. اغلب برنامه‌های مداخله در بافت‌های تاریخی، بر بهسازی کالبدی تأکید داشته و از درک عمیق نسبت به کیفیت فضا و تجربه زیسته شهروندان غفلت کرده‌اند (Long et al., 2025). در نتیجه، بسیاری از این بافت‌ها یا به فضاهای متروک و بی‌روح تبدیل شده‌اند یا هویت تاریخی خود را در جریان بازسازی از دست داده‌اند (Esmailpoor et al., 2023). شهرهای تاریخی ایران، از جمله تهران، نمونه‌ای بارز از این وضعیت هستند. مرکز تاریخی تهران (عمدتاً واقع در منطقه ۱۲) به رغم دارا بودن سرمایه تاریخی و فرهنگی غنی و موقعیت ممتاز در ساختار شهر، در دهه‌های اخیر شاهد روند نگران‌کننده‌ای از کاهش جمعیت ساکن، تضعیف شبکه‌های اجتماعی محلی، افت سرزندگی فضای عمومی و نهایتاً کاهش کیفیت زندگی بوده است. اقدامات نوسازی و مرمتی گذشته، که بر بازسازی کالبدی متمرکز بودند، نتوانسته‌اند این روند را متوقف یا معکوس نمایند. این امر حاکی از آن است که راه‌حل برون‌رفت، صرفاً در مداخلات فیزیکی نهفته نیست، بلکه مستلزم بازخوانی و تقویت نقش چندبعدی خود فضای شهری به‌عنوان واسطی حیاتی بین کالبد تاریخی و حیات اجتماعی معاصر است. بنابراین، شکاف پژوهشی آشکار در این حوزه، فقدان یک چارچوب تحلیلی بومی و یکپارچه است که بتواند به طور همزمان طیف وسیعی از مؤلفه‌های اثرگذار فضای شهری (زیست‌محیطی، عملکردی-دسترسی، زیباشناختی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی) را در نظر بگیرد، رابطه علی و اهمیت نسبی هر یک از این مؤلفه‌ها را با ابعاد مختلف کیفیت زندگی در بافت تاریخی بسنجد و از تلفیق یافته‌های کمی (عینی) و کیفی (ذهنی) به‌الگویی کاربردی برای راهبردهای

بازآفرینی انسان محور دست یابد. از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که مؤلفه‌های فضای شهری چگونه و با چه وزن و اهمیتی در ارتقای کیفیت زندگی در بافت تاریخی مرکز تهران (منطقه ۱۲) نقش آفرینی می‌کند.

## ۲. مبانی نظری

### ۱.۲. فضاهای شهری و کیفیت زندگی

فضای شهری، صحنه‌ای پویا برای بروز زندگی جمعی، تعاملات اجتماعی و بازتولید هویت شهری است و کیفیت آن نقش تعیین‌کننده‌ای در تجربه زیست شهروندان دارد (Sikorska et al, 2020). جین جیکوبز (۱۹۶۱) بر اهمیت زندگی در خیابان‌ها، اختلاط کاربری‌ها و حضور مداوم مردم در فضاهای عمومی به‌عنوان شاخصی از پویایی و سلامت اجتماعی شهر تأکید می‌کند. به باور او، سرزندگی شهری حاصل وجود فضاهایی است که فرصت دیدار، تعامل و مشارکت را فراهم آورند (Dogan, & Lee, 2024). در نظریه‌های طراحی شهری نیز مؤلفه‌های متعددی برای تعریف و ارزیابی کیفیت فضای شهری مطرح شده‌اند. کوین لینچ (۱۹۶۰) عناصر ساختاری فضا - شامل مسیرها، گره‌ها، لبه‌ها، حوزه‌ها و نشانه‌ها- را به‌عنوان مؤلفه‌هایی معرفی می‌کند که به ادراک و خوانایی شهر کمک می‌کنند. خوانایی محیط از دید لینچ، پیش‌شرط احساس امنیت و تعلق شهروندان است. گوردون کالن (۱۹۶۱) نیز با تأکید بر جنبه‌های بصری و ادراکی فضا، کیفیت محیط شهری را در پیوستگی بصری، مقیاس انسانی و تنوع تجربه‌های دیداری می‌داند (Zandiyeh & Zandiyeh, 2010: 28). در رویکردهای متأخرتر، پژوهشگرانی چون یان گل (۲۰۱۰) مفهوم شهر برای مردم را مطرح کرده‌اند که بر تجربه انسانی فضا، تعامل اجتماعی و کیفیت زیست روزمره در محیط‌های شهری تمرکز دارد. پس از یان گل، حوزه مطالعات شهری وارد مرحله تازه‌ای شد، که در آن نظریه‌پردازان کلاسیک جای خود را به اندیشمندان میان رشته‌ای و داده‌محور دادند. این نظریات نشان می‌دهند فضاهای شهری واجد مؤلفه‌هایی‌اند که فراتر از کالبد، بر ادراک و کیفیت زندگی شهروندان اثر می‌گذارند. به طوری که در صورت برنامه‌ریزی بهینه، فضاها می‌توانند، ابزاری برای ارتباطات، مکان فرصت‌سازی برای رویارویی مستقیم شهروندان و محلی برای مدیریت و هماهنگ کردن شهروندان محسوب گردند (Hosseini & Saberi, 2023: 176).

مفهوم کیفیت زندگی در شهر، حاصل برهم‌کنش میان محیط کالبدی و ادراک شهروندان از آن است؛ بدین معنا که تجربه ذهنی فرد از زیبایی، آرامش، نظم فضایی و هویت محیط، بخش جدایی‌ناپذیری از کیفیت زندگی او را شکل می‌دهد. به همین دلیل، فضاهای شهری نه تنها بستر زیست فیزیکی، بلکه عامل شکل‌دهنده تجربه زیست‌پذیری‌اند. به صورت کلی، کیفیت زندگی، مفهومی گسترده و چندوجهی است (Hosseini & Saberi, 2023: 4) که به‌عنوان رضایت از زندگی، خوشبختی و سعادت، رفاه و آسایش شناخته می‌شود و سطح توقع نیازهای انسان را منعکس می‌کند (Hosseini & Saberi, 2023: 116).

کیفیت زندگی بر بسیاری از زمینه‌های فعالیت‌های انسانی، مانند اقتصاد، سلامت جمعیت و هزینه‌های بهداشتی، تأثیر می‌گذارد و الزامات توسعه را تعیین می‌کند (Hosseini & Saberi, 2023: 4). نیاز به ارزیابی این مفهوم برای توسعه پایدار مناطق از جمله سیستم‌های شهری بسیار مهم است (Weziak-Białowolska, 2016). به طوری که در مطالعات شهری، کیفیت زندگی ابزاری قدرتمند برای ارزیابی سیاست‌ها و نظارت بر توسعه پایدار است. زیرا ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی جامعه را پوشش می‌دهد (Takano et al., 2023). در این راستا، بهبود کیفیت زندگی در شهرها به طور فزاینده‌ای به یک مسئله حیاتی برای برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است (Mouratidis, 2021).

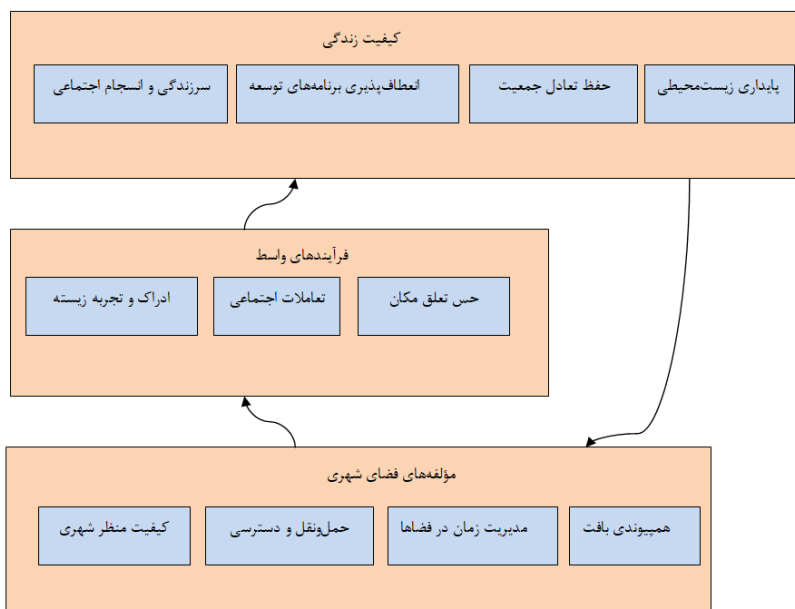
## ۲.۲. کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی شهری

بافت‌های تاریخی شهرها بخشی از دارایی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها هستند (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022). در بافت‌های تاریخی شهری، روابط شهروندی و ادراک و کیفیت زندگی شهروندان پیچیده‌تر می‌شود. این بافت‌ها نه تنها حامل ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، بلکه بستر زندگی روزمره و تعاملات اجتماعی معاصرند (Ferretti & Grosso, 2019). ویژگی‌های فضایی این بافت‌ها معمولاً بر پایه اصولی چون مقیاس انسانی، تنوع عملکردی، و پیوند عمیق میان کالبد و فرهنگ شکل گرفته است. اما در نتیجه تغییرات اقتصادی و اجتماعی، بسیاری از این فضاها دچار رکود عملکردی و فرسودگی شده‌اند و کیفیت زندگی در آن‌ها رو به افول گذاشته است (Long et al., 2025). از منظر نظری، تداوم حیات در بافت‌های تاریخی مستلزم فهم چگونگی نقش‌آفرینی مؤلفه‌های فضای شهری در تقویت حس مکان، سرزندگی و رضایت ساکنان است (Yang & Li, 2023). در توضیح این مدعا باید گفت، توسعه فیزیکی شهرها در دهه‌های اخیر مشکلات، چالش‌ها و تنگناهای متعددی را ایجاد کرده است. یکی از پیامدهای منفی، شتاب گرفتن تغییرات ایجاد شده در بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها بوده است که منجر به کاهش جایگاه اجتماعی آن‌ها، اختلال در سازماندهی فضایی - کالبدی و کمرنگ شدن جنبه‌های اقتصادی و عملکردی آن‌ها شده است (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022). به همین خاطر، در بافت‌های تاریخی، پیوند میان فضا و کیفیت زندگی به دلیل لایه‌های پیچیده هویتی و فرهنگی اهمیت دوچندان دارد (Makki et al., 2025). همانطور که اشاره شد، این بافت‌ها واجد ساختارهایی مبتنی بر مقیاس انسانی، تنوع عملکردی و پیوستگی فضایی‌اند که زمینه‌های بالقوه‌ای برای ارتقای کیفیت زندگی فراهم می‌کنند. اما در مواجهه با تحولات شهری معاصر، بسیاری از این ویژگی‌ها تضعیف شده و جای خود را به فضاهای ناهماهنگ و گسسته داده‌اند (Long et al., 2025).

احیای کیفیت زندگی در این بافت‌ها نیازمند رویکردی است که بتواند مؤلفه‌های فضایی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در یک چارچوب یکپارچه بازتعریف کند. در چنین چارچوبی، مؤلفه‌های کالبدی شامل نظم فضایی، خوانایی، دسترسی، مقیاس و کیفیت بصری؛ مؤلفه‌های اجتماعی شامل حضورپذیری، تعامل، مشارکت و امنیت؛ مؤلفه‌های فرهنگی شامل هویت، حافظه جمعی و حس مکان (Molavi et al., 2021)؛ و مؤلفه‌های زیست‌محیطی شامل آسایش اقلیمی و سبزینگی (Kheirabadi et al., 2017)، در پیوندی پویا با ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی قرار می‌گیرند. ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی نه از مسیر بازسازی صرف کالبد، بلکه از رهگذر بازآفرینی فضاهای شهری ممکن می‌شود. فضاهایی که بتوانند در عین حفظ اصالت تاریخی، پاسخ‌گوی نیازهای زیست معاصر باشند. چنین نگرشی مستلزم عبور از رویکردهای بخشی و فیزیکی و حرکت به سوی درکی جامع از فضا به‌عنوان پدیده‌ای انسانی است.

در آخر باید اشاره کرد، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر رویکرد انسان‌محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری استوار است؛ رویکردی که بر تجربه زیسته، ادراک و تعامل انسان با فضا تأکید دارد و بنیان مفهومی آن را نظریه‌های کیفیت زندگی شهری، سرزندگی و خوانایی فضا تشکیل می‌دهند. در این چارچوب، ابتدا نظریه‌های کیفیت زندگی شهری مبنای تعریف متغیر وابسته پژوهش هستند. طبق دیدگاه‌های شوان (۲۰۰۳) و مارنز (۲۰۱۲)، کیفیت زندگی نتیجه تعامل میان ابعاد عینی نظیر زیرساخت، محیط‌زیست و خدمات شهری، و ابعاد ذهنی شامل رضایت، احساس تعلق و ادراک از محیط است. این دیدگاه، ضرورت توجه به هر دو بُعد کالبدی و ادراکی زندگی شهری را در بافت‌های تاریخی مورد تأکید قرار می‌دهد. در گام دوم، نظریه‌های مرتبط با کیفیت فضاهای شهری و تجربه زیسته انسان در فضا مبنای متغیرهای مستقل پژوهش را فراهم می‌کنند. نظریه سرزندگی شهری جین جیکوبز (۱۹۶۱) بر اهمیت حضور مردم، اختلاط کاربری‌ها و تعامل اجتماعی در حیات شهری تأکید دارد، در حالی که یان گل (۲۰۱۰) در نظریه «شهر برای مردم» بر مقیاس انسانی، پیاده‌مداری و طراحی فضاهای عمومی متناسب با رفتار انسان تأکید می‌کند. همچنین اوزبیل و همکاران ( ) به ارتباط مستقیم طراحی و کیفیت پیاده‌راه‌ها با کیفیت زندگی شهری اعتقاد دارند و معتقدند طراحان شهری باید به‌منظور سرزندگی و پایداری شهری به این مسئله توجه ویژه بکنند. کوین لینچ (۱۹۶۰) در نظریه «تصویر شهر»، کیفیت ادراکی

محیط را تابعی از خوانایی، هویت بصری و سازمان فضایی می‌داند که این مفاهیم مبنای بعد زیباشناختی و ادراکی پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند. در گام سوم، چارچوب نظری پژوهش با نظریات معاصر بازآفرینی انسان‌محور و توسعه مبتنی بر مکان تکمیل شده است. بر اساس دیدگاه‌های لندری (۲۰۱۲) احیای بافت‌های تاریخی تنها زمانی موفق خواهد بود که میان حفاظت از میراث، پویایی اجتماعی و زیست‌پذیری معاصر تعادل برقرار گردد. در نتیجه، مدل مفهومی پژوهش از پنج بعد اصلی شکل گرفته است: زیست‌محیطی، عملکردی-دسترسی، زیباشناختی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی. این ابعاد در سه سطح سلسله‌مراتبی شامل؛ سطح پایه (کالبدی-زیست‌محیطی) که از نظریات توسعه پایدار شهری الهام گرفته، سطح میانی (عملکردی-اجتماعی) برگرفته از دیدگاه‌های جیکوبز و یان گل درباره سرزندگی و حضورپذیری، و سطح نهایی (ادراکی-هویتی) مبتنی بر نظریه تصویر شهر لینچ سازمان یافته‌اند. بدین ترتیب، چارچوب نظری پژوهش بر این فرض استوار است که ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی، حاصل پیوند میان ساختار کالبدی، پویایی اجتماعی و ادراک ذهنی شهروندان است. و این رویکرد انسان‌محور می‌تواند بنیانی برای بازآفرینی پایدار و مشارکتی در بافت‌های تاریخی ایران فراهم آورد.



Source: Rajabi Amirabad & Rahmani, 2020; Heydarzadeh et al., 2024; Hatami Nejad et al., 2018; Zare et al., 2019; Eslami & Shokohi Bidhendi, 2024; Saadati et al., 2019; Godi, 1993; Coleman, 1987; Appleyard, 1987; Lynch, 1984; Bentley et al., 1990; Lee & Cho, 2025.

Source: Rajabi Amirabad & Rahmani, 2020; Heydarzadeh et al., 2024; Hatami Nejad et al., 2018; Zare et al., 2019; Saadati et al., 2019; Ahmadi, 2016; Dass, 2008; Vestavi, 2006; Vestavi, 2006; Mercer, 2007.

Source: Heydarzadeh et al., 2024; Eslami & Shokohi Bidhendi, 2024; Vahid Bafandeh and colleagues, 2023; 2022; Li et al., 2025; Almatar, 2024; Lynch, 1984; Jacobs, 1961; Yazdani, 2014.

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

### ۳. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر سه مفهوم کلیدی فضاها، شهری، کیفیت زندگی و بافت‌های تاریخی و ارتباط میان آن‌ها را دنبال می‌کند. بنابراین در ادامه به بررسی مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی در موضوعات مورد اشاره پرداخته خواهد شد.

چن و سکار (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر حس مکان بر میزان بازدید از محیط بر اساس مدل‌های پیاده مدار در فضاهای عمومی پرداختند. نتایج حاصل نشان می‌دهد شناسایی عوامل اصلی ایجاد حس مکان و اندازه‌گیری و ارتقای آن‌ها می‌تواند کیفیت طراحی محیطی را بهبود بخشد. میرزاخانی و همکاران (۲۰۲۱) تحقیقی با عنوان ذی‌نفعان کلیدی و فرآیندهای عملیاتی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی شهری در ایران انجام دادند. یافته‌ها نشان‌دهنده وجود تضادها و تعارضات بین نهادهای مختلف مسئول در فرآیند

بازآفرینی است که عمدتاً ناشی از فقدان شرح وظایف مدون و کمبود مشارکت کافی مردم محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد است. چهاردولی و سجاده‌زاده (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان مدل توسعه راهبردی برای بازآفرینی هسته‌های تاریخی شهری: مطالعه موردی بافت تاریخی شهر همدان انجام دادند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد یک رویکرد اقتصادی مبتنی بر گردشگری می‌تواند به عنوان پدیده محوری برای شکل‌گیری مدل توسعه راهبردی در بافت تاریخی همدان عمل کند. آلفارو- ناوارو و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان کیفیت زندگی در بافت شهری، در چارچوب پارادایم سرمایه انسانی دیجیتال به بررسی رابطه بین قابلیت‌های دیجیتال شهروندان و درک آن‌ها از کیفیت زندگی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد همبستگی معناداری بین سطح مهارت‌های دیجیتال و عوامل مختلف تعیین‌کننده کیفیت زندگی وجود دارد. ساکنان مناطق شهری مترکم زمانی که قابلیت‌های دیجیتال بیش‌تری دارند، شادی اجتماعی بالاتری از خود نشان می‌دهند. زارعیان و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به سنجش کیفیت زندگی در محلات بافت تاریخی شهر بزد و عوامل مؤثر بر آن پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد امنیت، کیفیت محیط، روابط همسایگی، حمل‌ونقل، حس تعلق، ویژگی‌های کالبدی ابنیه و خدمات و زیرساخت‌ها هفت عامل عمده اثرگذار بر کیفیت زندگی در این محدوده هستند. سعادت و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تبیین مدل مفهومی نقش‌آفرینی فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی، با دلفی‌سازی و نظرسنجی از خبرگان به بررسی مؤلفه‌های اثرگذار در موضوع حاضر پرداخته و با اظهار نظر از ۴۰ نفر از خبرگان از میان ۹۱ شاخص جمع‌آوری شده، در نهایت ۶۴ مورد را برای بررسی موضوع تایید کردند. نتایج این پژوهش در قالب مدل مفهومی نقش فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهری را ارائه داد. سلامی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی که با عنوان جایگاه فضاهای عمومی در تحقق سیاست‌های بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد در محله امام‌زاده یحیی (ع) انجام پذیرفت، دریافته‌اند ارتقای کیفیت زندگی ساکنان در چنین محلاتی از طریق ارتقاء فضاهای عمومی در بافت‌های ناکارآمد امکان‌پذیر خواهد بود. حیدری سورشجانی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با هدف سنجش و ارزیابی پروژه‌های بازآفرینی فرهنگی- اجتماعی فضاهای عمومی با رویکرد ارتقای کیفیت محیطی و هویت محله‌ای که در پیاده‌گذرهای تاریخی شهر کاشان انجام پذیرفت، با توجه به نتایج کمی به دست آمده دریافته‌اند نگاه تک بعدی به پروژه‌های بازآفرینی شهری در محلات به تنهایی نمی‌تواند منجر به موفقیت فضاهای شهری گردد و باید به ساختاری منسجم، پیوسته و مطلوب از تمام ابعاد کالبدی- بصری، عملکردی، ادراکی، معنایی و محیطی توجه شود و نیازهای شهروندان در اولویت قرار بگیرد. اسلامی و شکوهی بیدهندی (۲۰۲۳) در مقاله‌ای که با هدف تبیین وضعیت و عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین انجام پذیرفت، دریافته‌اند وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات پرکاربرد شهری در سطح شهر قزوین نسبت به بافت‌های تاریخی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است که نشان‌دهنده توجه مدیریت شهری در امور شهرسازی و تاکید بر برنامه‌ریزی سطح شهر نسبت به بافت‌های تاریخی است.

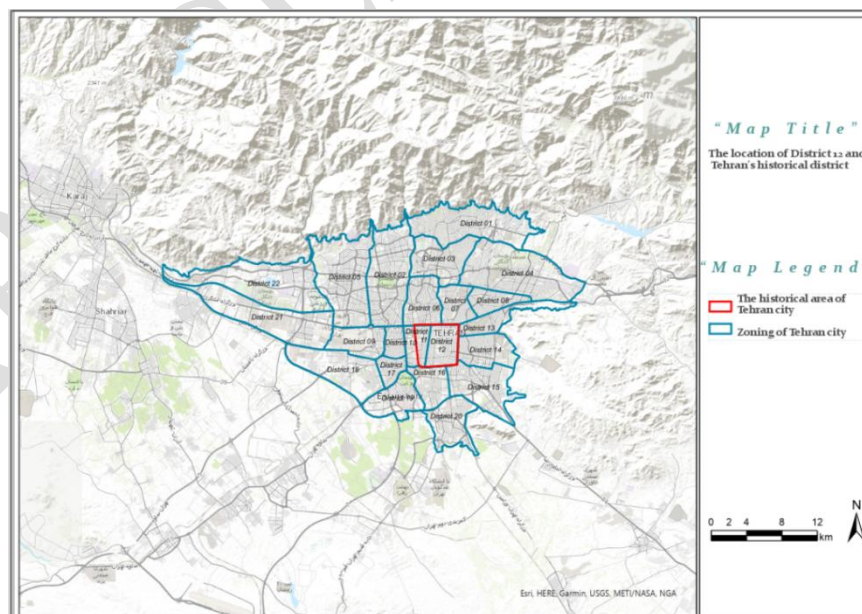
بررسی پیشینه نشان می‌دهد مطالعات بین‌المللی عموماً بر ابعاد ادراکی، اجتماعی، حس مکان و کیفیت تجربه فضا تأکید داشته‌اند، اما غالباً به بسترهای تاریخی و زمینه‌های درحال توسعه کمتر پرداخته‌اند. همچنین پژوهش‌های داخلی نیز بر مسائل کالبدی، نهادی یا ارزیابی کیفیت زندگی تمرکز دارند و پیوند تحلیلی میان «کیفیت فضا» و «کیفیت زندگی» را به صورت تجربی و مدل‌سازی شده بررسی نکرده‌اند. به صورت کلی، هیچ‌یک از مطالعات مرور شده الگوی یکپارچه‌ای که بتواند ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی، زیباشناختی و ادراکی فضا را با شاخص‌های کیفیت زندگی ساکنان در بافت‌های تاریخی ترکیب کند، ارائه نداده‌اند. همچنین در پژوهش‌های پیشین فقدان تلفیق رویکرد ترکیبی (کمی- کیفی) برای تبیین مسیرهای علی اثر فضایی بر کیفیت زندگی به وضوح دیده

می‌شود. بنابراین خلأ نظری پژوهش حاضر در این است که با وجود وجود مطالعات متعدد درباره کیفیت فضا یا کیفیت زندگی به صورت مستقل، رابطه میان مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیت زندگی در بستر بافت‌های تاریخی به‌ویژه در مقیاس محله‌ای و با رویکردی ترکیبی، کم‌تر مورد توجه بوده و فاقد الگوی نظری- کاربردی بومی برای مکان‌محور کردن مداخلات است. در این راستا، پژوهش حاضر با تحلیل آماری، مطالعات میدانی و تفسیر کیفی، تلاش دارد این خلأ را پر کرده و یک الگوی سه‌سطحی مبتنی بر تلفیق ابعاد کالبدی- زیست‌محیطی، عملکردی- اجتماعی و ادراکی- هویتی استخراج کند.

#### ۴. موارد و روش‌ها

##### ۱.۴. محدوده مورد مطالعه

منطقه‌ی ۱۲ با مساحت ۱۶.۹۱ کیلومترمربع دارای ۶ ناحیه و ۱۴ محله است. جمعیت این منطقه براساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر ۲۳۷۵۰۳ نفر بوده است. منطقه ۱۲ از شمال با مناطق ۶ و ۷، از جنوب با مناطق ۱۵ و ۱۶، از سمت غرب منطقه ۱۱ و از سمت شرق با مناطق ۱۳ و ۱۴ شهرداری تهران همجوار است. مرکز تاریخی تهران واقع (در منطقه ۱۲ شهرداری تهران) در مقام هسته تاریخی تهران با در نظر گرفتن صد درصد حصار صفوی و بیش از هفتاد درصد حصار تهران ناصری، قلب تاریخی شهر تهران محسوب می‌شود. این محدوده هم از منظر میراث تاریخی- فرهنگی و هم کارکرد روزمره، یکی از بخش‌های کلیدی و نمادین شهر تهران محسوب می‌شود. با این وجود، این منطقه با وجود دارا بودن ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی و تاریخی چشم‌گیر، طی دهه‌های اخیر با روندی از کاهش جمعیت ساکن، رکود فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و زوال کیفیت منظر و محیط شهری و تنگناهای دسترسی روبه‌رو بوده است. این مسائل، محدوده مورد مطالعه را به نمونه‌ای آشکار برای بررسی مداخلات فضای شهری انسان‌محور تبدیل کرده است.



شکل ۲. موقعیت منطقه ۱۲ و محدوده تاریخی شهر تهران

## ۲.۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ نوع، توسعه‌ای و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی و از شاخه موردپژوهی است. این پژوهش توسعه‌ای است و در ادامه تحقیقات قبلی و برای بررسی ابعاد و موضوعات تکمیلی انجام شده است. گویه‌های پرسشنامه بر مبنای معیارها و ساختارهای مستحصل از مبنای نظری استوار شده که در جدول ۱ قابل مشاهده است. جمع‌آوری اطلاعات میدانی از طریق ابزار پرسشنامه محقق ساخته و در قالب طیف لیکرت انجام پذیرفت. جامعه آماری ساکنین و کابران عرصه عمومی در مرکز تاریخی تهران می باشد. حجم جامعه آماری ساکنان محلات منتخب اعم از بومی و غیر بومی در محدوده حصار صفوی و ناصری تهران بر اساس آخرین دوره سرشماری عمومی نفوس و مسکن بدست آمده و حجم نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساخته و در بین افراد جامعه آماری توزیع و جمع‌آوری شد. بنابراین با توجه به جمعیت این منطقه براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ (۲۳۷۵۰۳ نفر)، نمونه لازم با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. برای جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از روش جمع‌آوری داده‌های چندگانه استفاده شد و پرسشنامه‌های لازم به صورت حضوری و همچنین غیرحضوری از طریق طراحی آنلاین پرسشنامه و استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های مجازی جمع‌آوری شدند تا دسترسی به گروه‌های مختلف سنی و شغلی تسهیل گردد. به موازات بخش کمی، برای کسب بینش عمیق‌تر، مطالعه کیفی با روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته عمیق انجام شد. جامعه آماری کیفی شامل سه گروه ذی‌نفع اصلی یعنی؛ ساکنان با سابقه محلات، مدیران و کارشناسان اجرایی مرتبط با نوسازی و میراث فرهنگی و همچنین متخصصان دانشگاهی در حوزه برنامه‌ریزی شهری و مرمت بودند. نمونه‌گیری در بخش کیفی به روش هدفمند و با تکنیک حداکثر تنوع انجام گرفت تا طیف وسیعی از تجربیات و دیدگاه‌ها پوشش داده شود.<sup>۱</sup> مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۴۰ مصاحبه (شامل ۱۵ ساکن، ۱۵ مدیر و کارشناس مربوطه و ۱۰ متخصص دانشگاهی) انجام پذیرفت. روایی پژوهش توسط خبرگان (شامل چهار نفر صاحب‌نظران دانشگاهی و متولیان اجرایی در حوزه مطالعاتی) مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین در تحقیق حاضر به منظور بررسی پایایی داده‌ها به دلیل اینکه ضریب آلفای کرونباخ از عمومیت و ارجحیت بیشتری برخوردار است، از این روش و پایایی ترکیبی استفاده شد که به توجه به نتایج جدول ۵ مقدار به دست آمده برای همه متغیرهای پژوهش بزرگ‌تر از ۰.۷ و مورد پذیرش بود. مقدار روایی همگرا نیز برای ابزار پژوهش بالاتر از ۰.۵ محاسبه شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS استفاده شد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های بدست آمده پژوهش (Alizadeh, J., & Mohammadi, 2021; Alfaro-Navarro et al., 2024; Chahardowli & Sajadzadeh, 2022; El Din et al., 2013; Ferretti & Grosso, 2019)

متغیر	مؤلفه	معیار	شاخص
فضای شهری X	زیست فضاهای شهری	مدیریت پسماند	۱ نظافت خیابان‌ها، فضاهای شهری و مکان‌های عمومی
			۲ کیفیت جمع‌آوری زباله در سطح محله و دفع مواد زاید شهری
		خرید فضاها	۳ آسایش اقلیمی پیاده‌ها و کیفیت خرد اقلیم فضاهای شهری
			۴ تعداد و کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز در سطح محله
	عملکردی، (کاربری)	تنوع استفاده از محیط	۵ استقرار و تجهیز فضاهایی برای ملاقات جمعی در بافت تاریخی (دیدارگاه بودن بافت تاریخی)

۱۴. ملاک انتخاب مصاحبه‌شوندگان در کنار سابقه سکونت یا فعالیت (بیش از ۱۰ سال) در محدوده، شامل داشتن تجربه مستقیم از فضاهای عمومی این محدوده، و توانایی ارائه تحلیل مبتنی بر تجربه بود.

تنوع بخشیدن به الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی	۶		
توجه به استقرار کاربری‌ها متنوع و اختلاط کاربری‌ها	۷		
فراهم نمودن امکان حضور کلیه اقشار با سطح سنی، جنسی و توانمندی‌های مختلف (همه شمولی مکان)	۸		
توجه و امکان حضور در ساعت‌های مختلف شبانه روز و تجهیز محیط به ظرفیت‌های زندگی شبانه	۹		
تداعی معانی فرهنگی - تاریخی و خاطره‌انگیزی	۱۰	سرزندگی و کیفیت محیطی	
حفظ ارزش‌های شهری و معماری اعم از شاخص‌های انسان‌ساز و طبیعی در بافت شهری و محلی	۱۱		
کیفیت زندگی شبانه در بافت تاریخی بویژه فضاهای عمومی	۱۲		
کیفیت امنیت محیط شهری برای فعالیت‌های مختلف	۱۳	ایمنی و امنیت محیطی	
توجه به شاخص‌های ایمنی در محیط شهری	۱۴		
تقویت شبکه دسترسی حمل و نقل عمومی	۱۵	حمل و نقل و دسترسی	
توسعه شبکه ایمن پیاده راهی	۱۶		
دسترسی به امکانات و خدمات شهری	۱۷		
توجه به عناصر بومی و اصیل در کالبد شهر و ساختمان‌ها	۱۸	همپیوندی بافت قدیم و جدید	
هماهنگی نماها و منظر شهری ساختمان‌ها در تعریف بدنه فضاهای عمومی شهری	۱۹		
توجه به الگوی معماری ساختمان‌ها با کارکردهای مورد نیاز زندگی امروزی	۲۰		
توجه به الگوی هندسی معابر با الویت پیاده (که در قدیم نیز اینگونه بوده است) و مقیاس انسانی آن	۲۱		
توجه به ساختار فضایی و سیر تحول تاریخی و ریخت‌شناسی بافت	۲۲		
توجه به مقیاس انسانی در شکلگیری و احیا فضاهای همگانی	۲۳		
توجه به زیباسازی منظر شهری در بافت و ارتقا تنوع پذیری در جداره‌ها و بدنه‌های شهری	۲۴	کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی	
توجه به ارزش‌های بصری اعم از تابلوها، علائم، نشانه‌ها، الگوهای تزئینات ساختمان - ها، رخ بام‌ها، پالت رنگی و...	۲۵		
ارتقا سطح خوانایی محیط شهری با تأکید بر فضاهای عمومی و همگانی	۲۶		
تقویت حس مکان در بافت اجتماعی شهری - محلی	۲۷		
مدیریت زمانی فعالیت‌ها در فضا	۲۸	چرخه‌های زمانی	
توجه به تغییر فصول، شبانه‌روز و... در امکان تعاملات اجتماعی	۲۹		
طراحی و صرف هزینه فضاهای همگانی برای استفاده در بیشترین زمان ممکن	۳۰		
اختلاط کاربری از نظر زمانی متفاوت در طراحی فضایی	۳۱		
لزوم وجود چند ساختمان و فعالیت دائمی در جامعه ۲۴ ساعته (مسکونی و...)	۳۲		

تجربی - زیباشناختی  
(فرم کالبدی، فضای همگانی و منظر شهری)

زمان

طراحی و اجرای پروژههای شهری به مرور زمان، نه آنی و یک مرتبه	۳۳		
خوانش شهر به عنوان متنی چند لایه	۳۴	گذشت زمان	
توجه به حس مکان و تثبیت هویت مکان	۳۵		
چگونگی تطبیق محیط با زمان و تغییرات	۳۶	تداوم مکان	
تشخیص روح مکان و سعی در ابقای آن	۳۷		
لحاظ حال با توجه به تداوم گذشته	۳۸		
وضعیت آلودگی هوایی، صوتی	۳۹	پایداری زیست	زیست محیطی
کارایی از نظر مصرف انرژی، به حداقل رساندن آلودگیها و پشتیبانی از اکوسیستمها	۴۰	محیطی	
مسئولیت پذیری زیست محیطی و استفاده درست از بستر طبیعی بومی	۴۱	زیست بومی	
توجه به پیوندهای زیست محیطی بومی و منطقه‌ای	۴۲	منطقه ای	
امکان برگزاری رویدادهای مختلف موردی و مناسبتی	۴۳	سرزندگی و انسجام اجتماعی	اجتماعی
مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مختلف شهری (تصمیم‌گیری) و پیوستگی اقدامات به عنوان یک عامل یکپارچه	۴۴		
مشارکت در فعالیتهای اجتماعی مختلف و اثرگذاری مطلوب اقدام در رضایتمندی ساکنان از حضور در محله	۴۵		
رویداد مداری و واقعه گرایی (سیاسی - آیینی و مذهبی)	۴۶		
توجه به رضایتمندی شاغلان در بافت تاریخی	۴۷		
احساس هویت و تعلق خاطر در شهر	۴۸		
خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی	۴۹		
رضایتمندی از روابط همسایگی در محله	۵۰		
رضایتمندی از فضاهای اجتماعی ایجاد کننده نشاط، شادی و لذت در شهروندان	۵۱		
توجه به نظارت عمومی و انجام تدابیر لازم برای کنترل ناهنجاریها و بزهکاری در محیط توسط ساکنان بافت	۵۲		
کنترل نارسایی‌های مسبب خطر آفرینی و مخاطرات محیطی در بافت	۵۳	حفظ تعادل جمعیت در بافت	
توجه به نیازهای تمام اقشار (عدالت اجتماعی)	۵۴		
دسترسی ساکنان به زیرساخت‌های پشتیبان سکونت (مراکز خرید محلی، فضای سبز، آموزشی، بهداشتی و...)	۵۵		
امنیت زنان و کودکان در محله	۵۶	سرزندگی و ثبات اقتصادی	تولید اقتصادی
رونق بخشیدن به کسب‌وکارهای خرد و با اصالت و هویت بافت تاریخی	۵۷		
جلوگیری از سوداگری زمین و اثرگذاری مطلوب اقدام بر ارزش اقتصادی املاک واقع در بافت تاریخی	۵۸		
ارتقای گردشگری با احترام به ظرفیتهای کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی	۵۹		
اقتصاد شبانه وابسته به زندگی شبانه جهت بازگرداندن سرزندگی به مراکز شهری	۶۰		

تنوع فعالیت‌های اقتصادی در محیط بافت تاریخی (اقتصاد خلاق)	۶۱	انعطاف پذیری برنامه های توسعه	
ابزارهای جذب سرمایه داخلی و خارجی	۶۲		
فرصت کنش‌های متقابل اقتصادی و ارتباط مؤثر و سازنده میان سازمان‌های دخیل در ارتقای کیفیت	۶۳		

## ۵. یافته‌ها

ارزیابی مدل اندازه‌گیری با هدف بررسی پایایی و روایی سازه‌ها انجام شد تا اطمینان حاصل شود ابزار سنجش پژوهش، مفاهیم مربوط به فضای شهری و کیفیت زندگی را به‌درستی و با دقت کافی اندازه‌گیری می‌کند. نتایج پایایی نشان داد تمامی سازه‌ها -از ابعاد زیست‌محیطی و کالبدی تا مؤلفه‌های ادراکی و اجتماعی- دارای همسانی درونی قابل قبول بوده‌اند؛ به‌طوری‌که مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در همه موارد بالاتر از حد استاندارد ۰.۷ ثبت شد. این امر بیانگر آن است که گویه‌های مربوط به هر سازه با یکدیگر هماهنگ بوده و یک مفهوم مشترک را به‌درستی بازتاب داده‌اند. برای نمونه، متغیر «زیست بومی- منطقه‌ای» که یکی از چندبعدی‌ترین سازه‌های پژوهش محسوب می‌شود، بالاترین مقادیر پایایی را ثبت کرد. موضوعی که نشان می‌دهد ساکنان نسبت به ابعاد هویتی و محیطی منطقه برداشت مشترک و نسبتاً پایدار دارند. در بررسی روایی همگرا نیز تمامی سازه‌ها مقادیر بالاتر از معیار ۰.۵ را کسب کردند که نشان‌دهنده دقت گویه‌ها در تبیین مفهوم سازه‌های مربوطه است. در میان آن‌ها، سازه‌های «زیست بومی- منطقه‌ای»، «مدیریت پسماند» و «پایداری زیست‌محیطی» بیش‌ترین میزان روایی همگرا را داشتند. این وضعیت از منظر تحلیلی نشان می‌دهد برای ساکنان محدوده مورد مطالعه، ابعاد مرتبط با هویت محلی و کیفیت محیطی، ملموس‌ترین و معنادارترین ابعاد کیفیت زندگی بوده‌اند. این یافته به‌ویژه برای بافت‌های تاریخی قابل توجه است، زیرا در چنین فضاهایی مؤلفه‌های هویتی و زیست‌محیطی معمولاً نقش پررنگ‌تری در ادراک شهروندان دارند. در مجموع، عملکرد مناسب مدل اندازه‌گیری در هر دو بخش پایایی و روایی، پشتوانه‌ای معتبر برای تحلیل‌های ساختاری پژوهش فراهم می‌کند و نشان می‌دهد داده‌های گردآوری شده نه تنها قابل اعتماد، بلکه برای تبیین روابط میان مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی دارای انسجام مفهومی کافی هستند.

بررسی بارهای عاملی گویه‌های پژوهش نیز نشان داد تمامی مقادیر بالاتر از حد مطلوب ۰.۵ قرار دارند. این موضوع بیانگر آن است که هر یک از گویه‌ها به خوبی توانسته‌اند متغیر مکنون (پنهان) مربوط به خود را اندازه‌گیری کنند و هیچ یک از آن‌ها بار عاملی ضعیفی ندارند. نتایج کلی این بخش (جدول ۲) نشان داد مدل اندازه‌گیری پژوهش از روایی و پایایی لازم برخوردار بوده و ابزار سنجش برای تحلیل مدل ساختاری مناسب تشخیص داده شد.

جدول ۲. نتایج ارزیابی پایایی و روایی متغیرهای پژوهش

متغیر مکنون	علائم اختصاری	بار عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	واریانس استخراج شده
مدیریت پسماند	AQ01	۰.۹۵۱	۰.۸۹۶	۰.۹۵۱	۰.۹۰۶
	AQ02	۰.۹۵۲			
	BQ01	۰.۰۹۸۱	۰.۷۱۳	۰.۸۴۰	۰.۷۳۰

			۰.۰۷۰۵	BQ02	کیفیت زیست خرد فضاها
۰.۵۹۹	۰.۸۸۱	۰.۸۳۰	۰.۸۳۲	CQ01	تنوع استفاده از محیط
			۰.۶۷۵	CQ02	
			۰.۶۳۸	CQ03	
			۰.۸۷۱	CQ04	
			۰.۸۲۷	CQ05	
۰.۶۳۷	۰.۸۷۵	۰.۸۱۰	۰.۷۳۸	DQ01	سرزندگی و کیفیت محیطی
			۰.۸۰۸	DQ02	
			۰.۸۲۷	DQ03	
			۰.۸۱۵	DQ04	
۰.۷۹۱	۰.۸۸۲	۰.۷۹۲	۰.۷۸۵	EQ01	ایمنی و امنیت محیطی
			۰.۹۸۲	EQ02	
۰.۷۰۱	۰.۸۷۵	۰.۷۸۷	۰.۸۵۵	FQ01	حمل و نقل و دسترسی
			۰.۸۴۲	FQ02	
			۰.۸۱۴	FQ03	
۰.۵۱۲	۰.۸۲۱	۰.۷۳۲	۰.۸۶۴	G01	همپیوندی بافت قدیم و جدید
			۰.۸۸۵	G02	
			۰.۵۵۰	G03	
			۰.۵۸۰	G04	
			۰.۸۷۳	G05	
۰.۶۵۹	۰.۹۰۶	۰.۸۷۱	۰.۷۸۱	HQ01	کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی
			۰.۸۴۹	HQ02	
			۰.۷۳۷	HQ03	
			۰.۸۱۷	HQ04	
			۰.۸۶۸	HQ05	
۰.۸۴۲	۰.۹۱۴	۰.۸۱۳	۰.۹۲۲	LQ01	چرخه های زمانی
			۰.۹۱۳	LQ02	
۰.۶۱۲	۰.۸۶۲	۰.۷۸۸	۰.۷۲۳	JQ01	مدیریت زمان در فضاهای همگانی
			۰.۸۰۲	JQ02	
			۰.۶۹۰	JQ03	
			۰.۸۹۸	JQ04	
۰.۷۸۲	۰.۸۷۸	۰.۷۲۳	۰.۸۶۷	KQ01	گذشت زمان
			۰.۹۰۲	KQ02	
۰.۶۸۳	۰.۸۶۵	۰.۷۶۷	۰.۹۳۲	LQ01	تداوم مکان
			۰.۷۵۱	LQ02	
			۰.۷۵۸	LQ03	
۰.۸۶۷	۰.۹۲۸	۰.۸۴۶	۰.۹۳۳	MQ01	

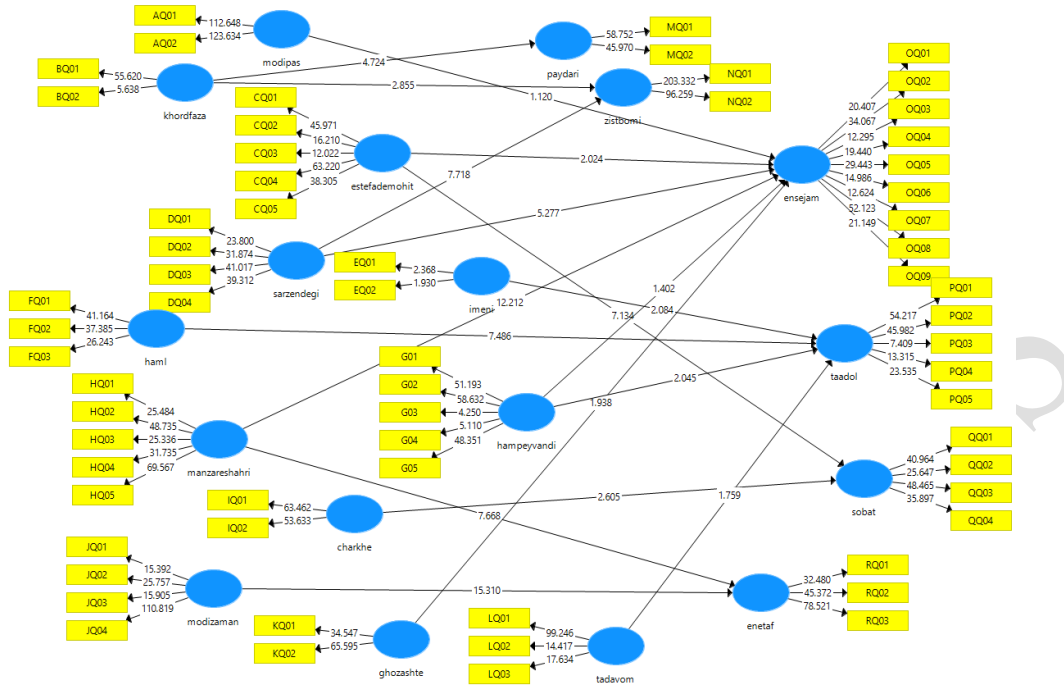
			۰.۹۲۹	MQ02	پایداری زیست‌محیطی
۰.۹۲۷	۰.۹۶۲	۰.۹۲۱	۰.۹۶۹	NQ01	زیست بومی منطقه‌ای
			۰.۹۵۶	NQ02	
۰.۵۱۴	۰.۸۶۱	۰.۸۰۱	۰.۷۲۸	OQ1	سرزندگی و انسجام اجتماعی
			۰.۸۰۴	OQ2	
			۰.۵۸۹	OQ3	
			۰.۷۲۰	OQ4	
			۰.۷۶۵	OQ5	
			۰.۶۳۱	OQ6	
			۰.۶۲۳	OQ7	
			۰.۸۴۹	OQ8	
			۰.۷۰۰	OQ9	
۰.۵۶۲	۰.۹۰۴	۰.۸۸۱	۰.۸۶۹	PQ01	حفظ تعادل جمعیت در بافت
			۰.۸۸۸	PQ02	
			۰.۵۲۲	PQ03	
			۰.۶۵۲	PQ04	
			۰.۷۲۱	PQ05	
۰.۶۷۳	۰.۸۹۱	۰.۸۳۸	۰.۸۱۱	QQ01	سرزندگی و ثبات اقتصادی
			۰.۷۶۵	QQ02	
			۰.۸۶۶	QQ03	
			۰.۸۳۶	QQ04	
۰.۷۳۴	۰.۸۹۲	۰.۸۲۱	۰.۸۱۹	RQ01	انعطاف‌پذیری برنامه‌های توسعه
			۰.۸۶۷	RQ02	
			۰.۸۸۴	RQ03	

پس از تأیید اعتبار و پایایی مدل اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری (مدل درونی) برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. برای ارزیابی برازش کلی مدل، از شاخص‌های مطلق، تطبیقی و مقتصد استفاده شد. نتایج به دست آمده از این شاخص‌ها نشان داد مقادیر شاخص‌های نسبت کای دو به درجه آزادی (با مقدار ۳.۱ و در بازه ۱ تا ۵)، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (با مقدار  $0.08 > 0.08$ )، شاخص برازش تطبیقی (با مقدار  $0.92 < 0.90$ )، شاخص برازش نرم‌شده (با مقدار  $0.93 < 0.90$ ) و همچنین شاخص برازش مقتصد (با مقدار  $0.91 < 0.90$ ) در دامنه مقادیر قابل قبول قرار دارند (Hair et al., 2019). این نتایج حاکی از آن است که مدل ساختاری پژوهش از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار است و می‌توان به تفسیر روابط بین سازه‌ها پرداخت.

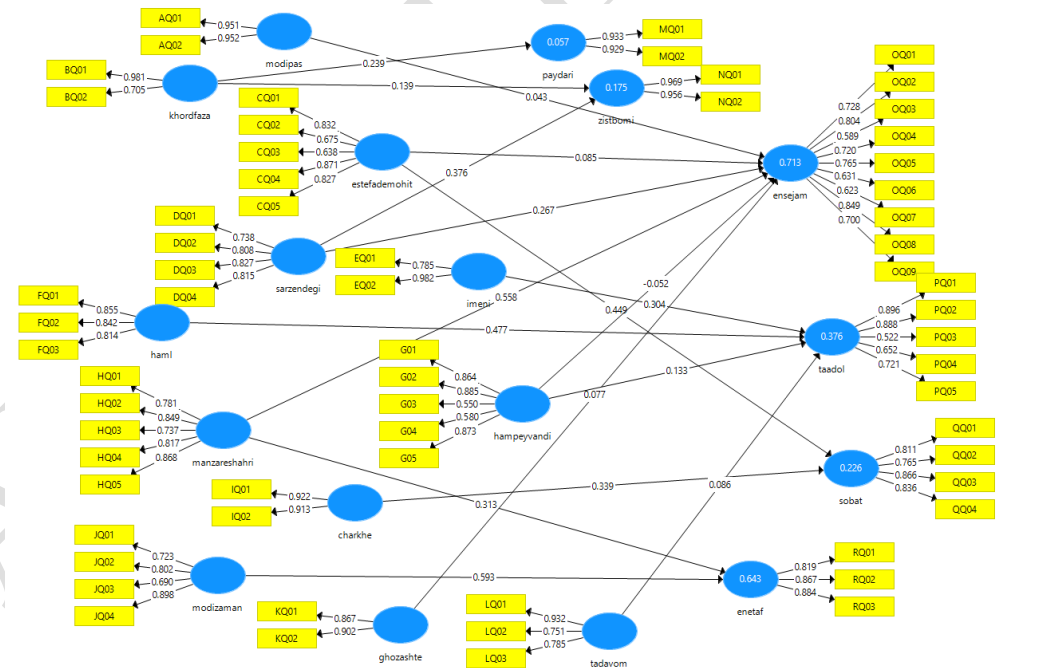
جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی شدت و معناداری روابط بین متغیرهای مکنون (سازه‌ها)، ضرایب مسیر استاندارد و آماره‌های تی مربوطه محاسبه گردید (جدول ۴ و شکل‌های ۳ و ۴). با توجه به نتایج جدول ۴ از مجموع ۱۷ رابطه فرضیه‌سازی شده در مدل، تعداد ۱۳ رابطه از لحاظ آماری معنادار بوده‌اند. قوی‌ترین روابط مثبت و معنادار به ترتیب بین مؤلفه‌های مدیریت زمان در

فضاهای همگانی بر انعطاف‌پذیری برنامه‌های توسعه با ضریب مسیر ۰.۵۹۳ و مقدار آماره تی برابر با ۱۵.۳۱۰، کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی بر سرزندگی و انسجام اجتماعی (۰.۵۸۸ و ۱۲.۲۱۲) و حمل‌ونقل و دسترسی بر حفظ تعادل جمعیت در بافت (۰.۴۷۷ و ۷.۴۸۶) است. ضرایب مسیر بالا نشان می‌دهد بهبود این سه مؤلفه فضای شهری، به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر ارتقای ابعاد مرتبط کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه تأثیرگذار است. در مقابل، تحلیل نتایج نشان داد روابط میان مدیریت پسماند بر سرزندگی و انسجام اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۰۴۳ و مقدار آمار تی برابر با ۱.۱۲۰، همپیوندی بافت قدیم و جدید بر سرزندگی و انسجام اجتماعی (۰.۰۵۲- و ۱.۴۰۲)، گذشت زمان بر سرزندگی و انسجام اجتماعی (۰.۰۷۷ و ۱.۹۳۸) و تداوم مکان بر حفظ تعادل جمعیت در بافت (۰.۰۸۶ و ۱۷۵۹) از لحاظ آماری معنادار نبوده و فرضیه‌های مرتبط با آن‌ها تأیید نمی‌شوند.

تحلیل نتایج به دست آمده نشان داد پنج بُعد فضای شهری به‌صورت نامتوازن و با شدت‌های متفاوتی بر مؤلفه‌های کیفیت زندگی در بافت تاریخی منطقه ۱۲ تأثیر می‌گذارند. به‌طوری‌که مؤلفه‌های عملکردی- زمانی (مانند مدیریت زمان و دسترسی) و ادراکی- زیباشناختی (مانند کیفیت منظر شهری) دارای بیش‌ترین ضریب تأثیر و از نظر آماری بسیار معنادار هستند. همچنین تعدادی از مؤلفه‌ها مانند تنوع استفاده از محیط بر سرزندگی اقتصادی و سرزندگی و کیفیت محیطی بر زیست بومی منطقه‌ای دارای تأثیر مثبت و معنادار، ولی با شدت متوسط می‌باشند. در حالی‌که برخی مؤلفه‌های پیش‌بینی شده، مانند مدیریت پسماند یا گذشت زمان، در این مدل و در محدوده مورد مطالعه، رابطه آماری معناداری با متغیرهای وابسته نشان ندادند. نتایج به دست آمده به وضوح اولویت‌های مداخله در بافت تاریخی تهران را مشخص می‌سازد. به‌طوری‌که مداخلاتی که بر بهبود تجربه زمانی و دسترسی‌پذیری و ارتقای کیفیت ادراکی و زیباشناختی فضا متمرکز باشند، با توجه به وزن اثر بالا و معناداری قوی آن‌ها، احتمالاً تأثیر بیش‌تری بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان خواهند داشت. این نتایج، پایه‌ای تجربی و مبتنی بر شواهد برای طراحی راهبردهای بازآفرینی انسان‌محور در این محدوده و بافت‌های تاریخی مشابه فراهم می‌آورد. به‌طوری‌که ارتقای کیفیت زندگی در بافت تاریخی منطقه ۱۲، بیش از آنکه متکی بر مداخلات صرفاً کالبدی یا زیرساختی صرف باشد، نیازمند چرخش به سوی رویکردهای انسان‌محور و ادراک‌بنیان است.



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق (مقادیر معنی داری)



شکل ۴. مدل ساختاری تحقیق (ضرایب استاندارد)

جدول ۴. نتایج بررسی مسیرهای معنادار

نتیجه آزمون	ضریب معنی داری	ضریب تاثیر	فرضیه
رد	۱.۱۲۰	۰.۰۴۳	مدیریت پسماند بر سرزندگی و انسجام اجتماعی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۴.۷۲۴	۰.۲۳۹	کیفیت زیست خردفضاها بر پایداری زیست محیطی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۲.۸۵۵	۰.۱۳۹	کیفیت زیست خردفضاها بر زیست بومی منطقه ای تاثیر معناداری دارد.
تایید	۲.۰۲۴	۰.۰۸۵	تنوع استفاده از محیط بر سرزندگی و انسجام اجتماعی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۷.۱۳۴	۰.۴۴۹	تنوع استفاده از محیط بر سرزندگی و ثبات اقتصادی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۵.۲۷۷	۰.۲۶۷	سرزندگی و کیفیت محیطی بر سرزندگی و انسجام اجتماعی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۲.۰۸۴	۰.۳۰۴	ایمنی و امنیت محیطی بر حفظ تعادل جمعیت در بافت تاثیر معناداری دارد.
تایید	۷.۴۸۶	۰.۴۷۷	حمل و نقل و دسترسی بر حفظ تعادل جمعیت در بافت تاثیر معناداری دارد.
رد	۱.۴۰۲	-۰.۰۵۲	همپیوندی بافت قدیم و جدید بر سرزندگی و انسجام اجتماعی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۱۲.۲۱۲	۰.۵۸۸	کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی بر سرزندگی و انسجام اجتماعی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۷.۶۶۸	۰.۳۱۳	کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی بر انعطاف پذیری برنامه های توسعه تاثیر معناداری دارد.
تایید	۲.۰۶۵	۰.۳۳۹	چرخه های زمانی بر سرزندگی و ثبات اقتصادی تاثیر معناداری دارد.
تایید	۱۵.۳۱۰	۰.۵۹۳	مدیریت زمان در فضاهای همگانی بر انعطاف پذیری برنامه های توسعه تاثیر معناداری دارد.
رد	۱.۹۳۸	۰.۰۷۷	گذشت زمان بر سرزندگی و انسجام اجتماعی تاثیر معناداری دارد.
رد	۱.۷۵۹	۰.۰۸۶	تداوم مکان بر حفظ تعادل جمعیت در بافت تاثیر معناداری دارد.
تایید	۲.۰۴۵	۰.۱۳۳	همپیوندی بافت قدیم و جدید بر حفظ تعادل جمعیت در بافت تاثیر معناداری دارد.
تایید	۷.۷۱۸	۰.۳۷۶	سرزندگی و کیفیت محیطی بر زیست بومی - منطقه ای تاثیر معناداری دارد.

در ادامه به بررسی ضریب تعیین (R-squared correlation) یا  $R^2$  مدل تحقیق پرداخته شد: این مدل، ضریب تعیین میزان تغییرات متغیر وابسته را که توسط متغیرهای مستقل در مدل توضیح داده می شود، نشان می دهد. به بیانی، این مدل نشان دهنده تاثیر یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا است و سه مقدار  $0/19$ ،  $0/33$  و  $0/67$  به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در آن در نظر گرفته می شوند. مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ ) به دست آمده برای تمامی متغیرهای مورد بررسی در جدول ۵ ذکر گردیده است. همان طور که ملاحظه می شود، ضرایب تعیین ( $R^2$ ) متغیرهای وابسته، از ناهمگونی قابل توجهی برخوردار است. مدل حاضر توانسته است  $71.3$  درصد از واریانس سازه «سرزندگی و انسجام اجتماعی» و  $64.3$  درصد از واریانس سازه «انعطاف پذیری برنامه های توسعه» را به خوبی تبیین کند که نشان دهنده قدرت توصیفی بالای مدل برای این دو بُعد کلیدی کیفیت زندگی است. در مقابل، قدرت تبیین مدل برای سازه هایی مانند پایداری زیست محیطی ( $5.7$ ) و زیست بومی منطقه ای ( $17.5$ ) دارای مقدار پایینی است. این ناهمگونی حاکی از آن است که متغیرهای پیش بین وارد شده در مدل (که عمدتاً بر مؤلفه های فضای شهری متمرکزند)، در مقایسه با ابعاد اجتماعی - اقتصادی، تأثیر کمتری بر ادراک ساکنان از ابعاد صرفاً زیست محیطی کیفیت زندگی داشته اند.

جدول ۵. ضرایب تعیین متغیرهای مورد مطالعه

ضریب تعیین	متغیر(های) پیش بین	متغیروابسته
۰.۰۵۷	کیفیت زیست خردفضاها	پایداری زیست محیطی
۰.۱۷۵	کیفیت زیست خردفضاها، سرزندگی و کیفیت محیطی	زیست بومی منطقه ای
۰.۷۱۳	مدیریت پسماند، تنوع استفاده از محیط، سرزندگی و کیفیت محیطی، همپیوندی بافت قدیم و جدید، کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی، گذشت زمان	سرزندگی و انسجام اجتماعی
۰.۳۷۶	ایمنی و امنیت محیطی، حمل و نقل و دسترسی، تداوم مکان، همپیوندی بافت قدیم و جدید	حفظ تعادل جمعیت در بافت
۰.۲۲۶	تنوع استفاده از محیط، چرخه‌های زمانی	سرزندگی و ثبات اقتصادی
۰.۶۴۳	کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی، مدیریت زمان در فضاها همگانی	انعطاف پذیری برنامه های توسعه

در گام نهایی، برای ارائه تصویری جامع از کارآمدی مدل، شاخص نکویی برازش (GOF) محاسبه گردید که مقدار آن ۰.۵۰۸ به دست آمد. با توجه به ملاک‌های رایج، این مقدار در دامنه برازش متوسط قرار می‌گیرد. باید تأکید نمود تفسیر این شاخص به تنهایی نمی‌تواند مبنای قطعی برای ارزیابی مدل باشد. همان‌گونه که در ابتدای این بخش گزارش شد، ارزیابی مدل بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های برازش شامل:  $\chi^2/df$ ، RMSEA، CFI، NFI و GFI صورت پذیرفت که همگی در دامنه مقادیر قابل قبول و مطلوب قرار داشتند. این امر حاکی از آن است که مدل ساختاری پژوهش، به‌طور کلی از برازش کافی و قابل قبولی با داده‌ها برخوردار است. ارزش عملی و تحلیلی مدل حاضر، علاوه بر این شاخص‌های کلی، در قدرت تبیین بالای آن برای سازه‌های محوری تحقیق (مانند سرزندگی اجتماعی با ۷۱.۳ درصد و انعطاف‌پذیری برنامه‌ای با ۶۴.۳ درصد) و نیز در توانایی آن در شناسایی و رتبه‌بندی روابط ساختاری معنادار و قوی نهفته است. بنابراین، علی‌رغم متوسط بودن شاخص GOF، می‌توان اطمینان داشت مدل به‌عنوان چارچوبی معتبر برای تحلیل روابط بین مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه عمل می‌کند و یافته‌های آن برای استنتاج‌های علمی و ارائه راهکارهای عملی پایه‌ای مستحکم فراهم می‌آورد.

$$GOF = \sqrt{0.707 \times 0.365} = \sqrt{0.258} = 0.508$$

## ۶. بحث

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی نقش‌آفرینی مؤلفه‌های فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت تاریخی منطقه ۱۲ تهران انجام شد. یافته‌ها رابطه‌ای مستقیم، معنادار و چندوجهی، اما با الگوی ناهمگون و سلسله‌مراتبی بین این دو مفهوم را تأیید کرد. به‌طوری‌که قوی‌ترین روابط، نقش محوری مؤلفه‌های ادراکی - زیباشناختی (مانند کیفیت منظر شهری بر سرزندگی اجتماعی) و عملکردی - زمانی (مانند مدیریت زمان و دسترسی بر انعطاف‌پذیری برنامه‌ای و تعادل جمعیتی) را برجسته ساخت. این نتایج با چارچوب نظری پژوهش - لینچ (۱۹۶۰)، جیکوبز (۱۹۶۱) و یان گل (۲۰۱۰) - همسو است و نشان می‌دهد بازآفرینی این بافت‌ها نیازمند چرخش از مداخلات صرفاً کالبدی به سمت ارتقای تجربه زیسته و کارکرد روزمره فضا است. در عین حال، تحلیل مدل، محدودیت‌های مهمی را نیز آشکار ساخت که تصویری متوازن ارائه می‌دهد: نخست، اهمیت عملی ناچیز برخی روابط (مانند تأثیر

مدیریت پسماند) حاکی از تأثیر غیرمستقیم یا حاشیه‌ای آن‌ها در مقایسه با عوامل کلیدی‌تر است. دوم، ناهمگونی در قدرت تبیین ( $R^2$ ) مدل مشهود بود؛ در حالی که ابعاد اجتماعی-اقتصادی کیفیت زندگی به خوبی تبیین شدند (با مقدار  $R^2$  حدود ۰.۷۱ و ۰.۶۴)، توان مدل در توضیح واریانس سازه‌های پایداری زیست‌محیطی (۰.۰۵۷) و زیست‌بومی منطقه‌ای (۰.۱۷۵) پایین بود. این شکاف نشان می‌دهد ادراک محیطی ساکنان احتمالاً بیش از آنکه متأثر از متغیرهای کالبدی-محل‌های این پژوهش باشد، تحت تأثیر عوامل کلان‌شهری یا فردی است و لزوم بازنگری چارچوب تحلیلی با متغیرهای پیش‌بین قوی‌تر و چندسطحی را برای مطالعات آتی نمایان می‌سازد. سوم، برخی سازه‌ها در مرز کفایت قرار گرفتند که نشان از نیاز احتمالی به بازنگری در گویه‌ها برای انطباق بهتر با پیچیدگی بافت تاریخی دارد. با در نظر گرفتن این جوانب، الگوی سه‌سطحی استخراج‌شده (کالبدی-زیست‌محیطی، عملکردی-اجتماعی، ادراکی-هویتی) و اولویت‌بندی تجربی آن، نقشه‌راهی عینی برای اقدام عملی-شامل ارتقای منظر، بهبود دسترسی و تقویت فضاهای جمع‌پذیر-فراهم می‌آورد. این چارچوب به‌عنوان الگویی بومی، برای بازآفرینی انسان‌محور در دیگر بافت‌های تاریخی ایران قابلیت تطبیق دارد، مشروط بر آنکه با عبور از رویکردهای بخشی، به سمت حکمرانی مشارکتی حرکت شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مؤلفه‌های فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت تاریخی منطقه ۱۲ تهران انجام شد. برخلاف رویکردهای مرمی صرف، این مطالعه فضای شهری را پدیده‌ای اجتماعی-ادراکی دانسته و کیفیت زندگی را از منظر تجربه زیسته ساکنان تحلیل کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد رابطه‌ای چندوجهی و سلسله‌مراتبی بین این دو مفهوم برقرار است، اما الگوی تأثیر ناهمگون است. به‌طوری‌که سه مؤلفه مدیریت زمان در فضاهای همگانی (با بیش‌ترین تأثیر بر انعطاف‌پذیری برنامه‌ریزی)، کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی (محرک اصلی سرزندگی اجتماعی)، و حمل‌ونقل و دسترسی (عامل تعیین‌کننده در حفظ تعادل جمعیتی)، به‌عنوان عوامل کلیدی شناسایی شدند. این نتایج، اولویت را از مداخلات صرفاً کالبدی به سمت ارتقای ابعاد عملکردی-زمانی و ادراکی-هویتی فضای شهری تغییر می‌دهد. با این حال، یافته‌های پژوهش محدودیت‌هایی را نیز نشان داد. با توجه به یافته‌ها، برخی مؤلفه‌ها (مانند مدیریت پسماند) تأثیر عملی ناچیزی داشتند و همچنین قدرت تبیین مدل برای سازه‌های زیست‌محیطی به‌طور قابل‌توجهی کمتر از ابعاد اجتماعی و اقتصادی بود، که نشان می‌دهد ادراک محیطی ساکنان احتمالاً تحت تأثیر عواملی در مقیاس‌های کلان‌تر (شهری، ملی) یا متغیرهای فردی است که در دامنه این مطالعه قرار نگرفته‌اند.

بر پایه این شناخت، الگوی سه‌سطحی پژوهش (کالبدی-زیست‌محیطی، عملکردی-اجتماعی، ادراکی-هویتی) شکل گرفت که مهم‌ترین نوآوری آن، ارائه چارچوبی یکپارچه و قابل‌سنجش برای پیوند حوزه‌های فضای شهری، کیفیت زندگی و بافت تاریخی در ایران است. این الگو نشان می‌دهد بهبود شاخص‌های کالبدی تنها زمانی به ارتقای کیفیت زندگی می‌انجامد که از مسیر تقویت تعامل اجتماعی و هویت مکانی عبور کند. از منظر کاربردی، این الگو نقشه‌راهی برای بازآفرینی انسان‌محور در منطقه ۱۲ ارائه می‌دهد که محورهای اقدام در آن شامل تقویت کیفی منظر و پیوستگی فضایی در محورهای تاریخی، تحول در دسترسی پیاده و حمل‌ونقل پاک، برنامه‌ریزی برای حیات شبانه و تنوع‌بخشی زمانی به فضاها، و توسعه فضاهای اجتماع‌محور در مقیاس محله است. موفقیت این راهبردها منوط به گذار به سمت حکمرانی مشارکتی است که تجربه ساکنان را در کانون تصمیم‌گیری قرار دهد.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد توازن بخشی بین حفاظت از میراث و زیست‌پذیری معاصر، نیازمند عبور از پارادایم صرفاً کالبدی و اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌نگر است که در آن فضای شهری به‌مثابه بستری پویا برای تعامل اجتماع و شکل‌دهی به کیفیت زندگی فهمیده شود.

### مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تمامی بخش‌ها و مراحل پژوهش سهم برابر داشتند.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان از همه کسانی که سهمی در به ثمر رسیدن هرچه بهتر پژوهش حاضر داشتند، تشکر می‌نمایند. این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان "تبیین الگوی نقش‌آفرینی مؤلفه‌های فضای شهری در ارتقاء کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهری ایران (مطالعه موردی: مرکز تاریخی شهر تهران، منطقه ۱۲)" می‌باشد که توسط نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده‌های سوم و چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد دفاع شده است.

### تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

### منابع

- Abou El Ezz, N., Eid, Y., & Hamhaber, J. (2017, November). Governance Models of Successful Urban Public Spaces: Reflections on the Case of Cairo, Egypt. In 1st International Conference on Towards a Better Quality of Life. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3163031>
- Alfaro-Navarro, J. L., Lopez-Ruiz, V. R., Huete-Alcocer, N., & Nevado-Pena, D. (2024). Quality of life in the urban context, within the paradigm of digital human capital. *Cities*, 153, 105284. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105284>
- Alizadeh, J., & Mohammadi, J. (2021). An Analysis of Quality of Life Satisfaction in Central areas Cities (Case Study: The Impacts of Individual Variables on the Quality of Life of Residents of Ardabil City Central Neighborhoods). *Human Geography Research*, 53(3), 1049-1072. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.289189.1008012>
- Carmona, M. (2010). Contemporary public space: Critique and classification, part one: Critique. *Journal of urban design*, 15(1), 123-148. <https://doi.org/10.1080/13574800903435651>
- Chahardowli, M., & Sajadzadeh, H. (2022). A strategic development model for regeneration of urban historical cores: A case study of the historical fabric of Hamedan City. *Land Use Policy*, 114, 105993. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105993>
- Chandan, S., & Kumar, A. (2019). Review of urban conservation practices in historic cities. *Int. J. Emerg. Technol*, 10, 74-84. <https://www.researchgate.net/publication/333356509>.
- Chen, R. B., & Sekar, A. (2018). Investigating the impact of Sense of Place on site visit frequency with non-motorized travel modes. *Journal of transport geography*, 66, 268-282. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2017.12.008>
- Chiu, Y. H., Lee, M. S., & Wang, J. W. (2019). Culture-led urban regeneration strategy: An evaluation of the management strategies and performance of urban regeneration stations in Taipei City. *Habitat International*, 86, 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.01.003>
- Dogan, O., & Lee, S. (2024). Jane Jacobs's urban vitality focusing on three-facet criteria and its confluence with urban physical complexity. *Cities*, 155, 105446. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105446>
- El Din, H. S., Shalaby, A., Farouh, H. E., & Elariane, S. A. (2013). Principles of urban quality of life for a neighborhood. *HBRC journal*, 9(1), 86-92. <https://doi.org/10.1016/j.hbrj.2013.02.007>

- Eslami, A., Shokouhi Bidhendi, M, S. (2024). Explanation of the Situation and Factors Affecting the Quality of Life in the Historical Context and Surface of Qazvin City. *Urban Economic and Planning*, 5(1), 90-105. (In Persian) <https://doi.org/10.22034/uep.2024.432161.1450>
- Esmailpoor, N., Esmailpoor, F., & Rezaeian, F. (2023). Explaining the causes of population outflow from the historical fabric of Yazd city. *Cities*, 137, 104318. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104318>
- Ferretti, V., & Grosso, R. (2019). Designing successful urban regeneration strategies through a behavioral decision aiding approach. *Cities*, 95, 102386. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.06.017>
- Heidary, R., Aboozar, V., & Doolatyan, K. (2022). Assessment and evaluation of the project of cultural-social regeneration of public spaces with the approach of improving environmental quality and neighbourhood identity The case study: historical walkways of Kashan city. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 10(3), 143-170. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2022.339760.1667>
- Hosseini, A., & Saberi, A. (2023). Analysis of the Quality of Life Before and After the Transition of Settlements to City (Case study: Masiri and Kopon Cities, Fars Province). *Journal of Urban Social Geography*, 10(1), 1-25. (In Persian) <https://doi.org/10.22103/JUSG.2023.2086>
- Hosseini, A., & Saberi, A. (2023). The key drivers affecting the quality of life in raw cities (case study: Masiri city). *Journal of Geography*, 21(77), 111-134. (In Persian) <http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1402.21.77.7.0>
- Hosseini, A., & Saberi, A. (2023). The multi-dimensional comparative evaluation of the components of the quality of life of local residents: The case study on cities of Fars and Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Provinces. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 10(4), 1-22. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2023.345085.1712>
- Hosseini, Ali., Saberi, Ali. (2023). Analysis of the Quality of Life Before and After the Transition of Irani Shad, A., Habib, F., & Mahdavi Nezaad, M., J.(2018). Contemporaryization of historical neighborhoods with the aim of placemaking urban spaces. *Urban Management Studies*, 10(36), 41-60. (In Persian) <https://www.sid.ir/paper/199359>
- Jacobs, J. (1961). Jane Jacobs. *The Death and Life of Great American Cities*, 21(1), 13-25.
- Kheirabadi, F., Nourmohammadzad, H., & Alizadeh, H. (2017). The role of urban spaces physical orientation on the extent of climate comfort of citizens: Case study of Bandar Abbas. *Geography and Environmental Sustainability*, 7(3), 15-31. (In Persian) [https://ges.razi.ac.ir/article\\_823.html](https://ges.razi.ac.ir/article_823.html)
- Landry, C. (2000). Urban vitality: A new source of urban competitiveness. *Archis*, (12), 8-13. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1662466>
- Long, Y., Jiao, S., Yu, Y., & Xiao, K. (2025). An analysis of spatial vitality distribution and formation mechanisms in historical urban areas based on multi-source big data: A case study of Changsha. *Frontiers of Architectural Research*. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2025.03.005>
- Makki, M., Mathers, J., Matthews, L., Melsom, J., Bilorina, N., Raymond, B., ... & Ricafort, K. (2025). A data-driven multi-objective approach to improving the quality of the urban space: The character of Sydney's public domain. *Cities*, 167, 105369. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105369>
- Mirzakhani, A., Turró, M., & Jaliliasadabad, S. (2021). Key stakeholders and operation processes in the regeneration of historical urban fabrics in Iran. *Cities*, 118, 103362. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103362>
- Molavi, M., Hamidi, A., Faridi Foshtomi, A., & Ariapasand, Z. (2021). Evaluation of the role of urban pedestrian streets in improving the urban vitality and social interactions (case study: Pedestrian street of Rasht). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 9(3), 881-908. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.319408.1465>
- Mouratidis, K. (2021). Urban planning and quality of life: A review of pathways linking the built environment to subjective well-being. *Cities*, 115, 103229. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103229>
- Rezvani, M. R., Mansourian, H., & Sattari, M. H. (2013). Evaluating Quality of Life in Urban Areas (Case Study: Noorabad City, Iran). *Social Indicators Research*, 112(1), 203-220. <https://doi.org/10.1007/s11205-012-0048-2>

- RONAEL, M., & ERTEKİN, G. D. O. (2025). Public Spaces for Future Cities: Mapping Urban Resilience Dimensions in Place-Based Solutions. *Sustainable Cities and Society*, 106870. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2025.106870>
- Rydin, Y., Bleahu, A., Davies, M., Dávila, J. D., Friel, S., De Grandis, G., ... & Wilson, J. (2012). Shaping cities for health: complexity and the planning of urban environments in the 21st century. *The lancet*, 379(9831), 2079-2108. <https://www.thelancet.com/commissions-do/healthy-cities>
- Saadati, A., Ahmadi, F., Ghafari, A., & Nazemi, E. (2022). Conceptual model of the role of urban space in improving the quality of life in historical contexts. *Motaleate Shahri*, 10(41), 43-58. (In Persian) <https://doi.org/10.34785/J011.2022.934>
- Salami, F., Sarver, R., & Ezzatpanah, B. (2021). The place of public spaces in the implementation of policies for the reconstruction of dysfunctional tissues: A case study of Imamzadeh Yahya (AS) neighborhood. *Geography*, 19(68), 83-101. (In Persian) <https://doi.org/20.1001.1.27172996.1400.19.1.6.8>
- Settlements to City (Case study: Masiri and Kopon Cities, Fars Province). *Urban Social Geography*, 10 (1), 1-25. <https://doi.org/10.22103/JUSG.2023.2086>
- Sikorska, D., Łaszkiwicz, E., Krauze, K., & Sikorski, P. (2020). The role of informal green spaces in reducing inequalities in urban green space availability to children and seniors. *Environmental science & policy*, 108, 144-154. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2020.03.007>
- Takano, T., Morita, H., Nakamura, S., Togawa, T., Kachi, N., Kato, H., & Hayashi, Y. (2023). Evaluating the quality of life for sustainable urban development. *Cities*, 142, 104561. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104561>
- Te Braak, P., & van Tienoven, T. P. (2025). Navigating the city: A systematic literature review on women's perceived safety in urban public space. *Cities*, 162, 105907. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2025.105907>
- Wang, Z., Yang, Y., NIJHUIS, S., & van der Spek, S. Understanding Human-Environment Interaction in Urban Spaces with Emerging Data-Driven Approach: A Systematic Review of Method and Evidence. *Available at SSRN 5033807*. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2025.106346>
- Węziak-Białowolska, D. (2016). Quality of life in cities—Empirical evidence in comparative European perspective. *Cities*, 58, 87-96. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.05.016>
- Yang, X., & Li, H. (2023). Community attachment in the context of urban settlement regeneration: Mediating role of resident interaction. *Cities*, 140, 104398. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104398>
- Zandiyeh, M., & Zandiyeh, R. (2010). In search of strategic vision corridors of Tehran city. *Iranian Scientific Association of Architecture and Urban Planning*, 1, 36-27. (In Persian) <https://doi.org/10.30475/isau.2010.61922>
- Zareian, M., Esmailpoor, N., & Akbari, R. (2020). Assessing the quality of life in the historic district neighborhoods and factors affecting it case study: historic district of Yazd city. *Geography and Environmental Planning*, 31(1), 121-142. (In Persian) <https://doi.org/10.22108/gep.2020.119018.1201>